

تاریخ

از نظریات مؤسسه « تذکار سید جمال الدین افغان » در قاهره  
بهاره ۱۳۶۶ - ۲۴ حمل ۱۳۱۲ - روزنامه الاحرام مصر

مترجم غلام جیلانی خان حلالی



سید جمال الدین افغانی

و کیف یکنون الاحتفال بذکره

در ماه گذشته ما در صفحات تاریخ جدید و تراجم برجسته‌مانیکه اثر و تفکیر آنها در  
محبش های علمی و سیاسی شرق و اسلام سهمی بزرگی دارد بدقت تمام کنجکاوای نویدیم ، بالاخر  
ملاحظه کردیم که سید ( جمال الدین افغانی ) یگانه محرك تجدید سیاست و اجتماع شرق و اسلام  
دارای اثر عظیمی است ، نهضت قومی جدید مصر که آنها از بعض تفکیر و جهود گران قیمت او  
استفاده شده از مهمات است که تسجیل آن بر ما لازم است . . . . . وفات این نابغه بتاريخ ۹ مارچ  
۱۸۹۱ ( ۱ ) در استامبول که وائمه از جمال آن مغفور له نیز حادثه از حوادث ماه مارچیکه  
نتایج آن بانقلاب اخیر ۱۹۱۹ مصر منتهی گردید بشمار میرود ، ( سید محمد جمال الدین ) منلیکه  
اسم او در حین ولادت شناخته شد بقریب ( احمد آباد ) منطقه کابل عاصمه افغان در ۱۲۵۴ هـ  
مطابق ۱۸۲۸ ع تولد گردید ، پدر او موسوم بشهدر و نسب او به ( ترمذی ) محدث مشهور  
اسلام و سیدنا ( حسین ) رضی ترقی میکند خاندان فقید مالک ثروت و دارای رسوخ بود که  
( دوست محمد خان ) امیر افغانستان از افتداز خاندانی او اندیشیده بجلد پدر و اعمامش در کابل  
امر نمود دران جمله ، جمال الدین افغانی نیز با قبله امجد خود وارد کابل گردیده تا سن رشد علوم  
عربی ، شرعی ، تاریخ ، تصوف ، منطق ، ریاضیات ، طب ، را از علمای معروف آنوقت تعلیم  
گرفت بعد از آن چون طبعاً بسیاحت و بسط تحقیقات علمی مایل بود بجهت تکمیل علوم ریاضی  
بهند مسافرت نمود از هند بهد از تطبیقات لازمه عازم مکه مکرمه گردیده سپس از ادای فریضه  
حج واپس بکابل عودت کرد ، درانجا از جانب اعلیحضرت دوست محمد خان بقیادت عسکر (۲)

(۱) قراریکه نزد ما محقق است وفات مرحوم سید جمال الدین در ۹ مارچ سال ۱۹۰۰ ع است ( مجله کابل )

(۲) سید جمال الدین در دربار امیر دوست محمد خان مستقیماً موظف باداره عسکر نبوده بلکه مشاور خصوصی شاه بود ( مجله کابل )

تعیین شد، درین اثنا بسبب فوت امیر موصوف حکومت افغانستان بشیر علیخان پسر امیر دوست محمدخان منتقل شد، چون امیر جدید در امر سلطنت با برادران خود بر خلاف بود از انجمله عمده اعظم خان از سید جمال الدین درخواست معاونت کرد اما ازین حادثه کمی نگذشت که بشیر علیخان برادر خود را هزیمت داده مستقلاً بامارت افغانستان بنشست، در حالیکه سید فقید از طرفداران عمده اعظم خان بود لازم دانسته از کابل دو باره به هند مراجعت کرد، در اینجا حکومت هند اگرچه در ظاهر از او اکرام و پذیرائی شایانی بعمل آورد ولی در باطن از نفوذ و افکار بلند او اندیشیده تنها بحق مرور از هند مجازش گردانید و بس! سید فقید کشور هند را بحرکت عادی عبور نموده وارد ترعه سوئز و از آنجا برای اولین دفعه در مصر نزول کردند در اینجا علامه موصوف ۴۰ روز توقف نمود، در خلال حال روزی جامع از هر را نیز معاينه کردند در اینجا علامه موصوف ۴۰ روز توقف مرفی شدند که به آنها در خانه خود به ( خان خلیلی دروس کتاب ( اظهار ) را شرح دادند.

در انجام همان مدت باسلامبول مسافرت فرموده سلطان عبدالعزیز خان و باب عالی به پذیرائی شایانی او را برکنیت مجلس معارف گماشتند، لاکن چون حیات همجه نوابغ را يك سلسله حوادث غیر مترقبه تشکیل میدهد، شیخ الاسلام برقدر و منزلت او حسد برده حکومت عثمانی را برین وا داشت که علامه را موقتاً از اسلامبول اخراج کند، باین حیث در مارچ بدون نیت اقامت دو باره در مصر وارد قاهره شدند، اما وزیر معروف مصر ریاض پاشا سید فقید را شناخته با همان صفات، نازده که داشت بحدیوم استقبالی پاشا او را معرفی نمود: خدیو بگمال مسرت علامه را پذیرفته اولاً فی ماه ده پوند مصری مهراث او را تعیین کرد، ازین باعث نخست بسرای ابراهیم بیک مویلیجی درگذر حسین بشارح عمده علی بحیث مهمان تنزل کردند ما بعد از آن درگذر یهودیها بشارح خان ابوطقیه سکنی گرفتند، این اطاق مرور در حقیقت مدرسه بود که در آنجا شاگردان اظهر و ادبای چوون مصر بقرض کسب استفاده بحضور آنها مشرف میشدند.

توضیحات شاگرد ارشدش امام ( محمد عبده ):

از تحدید مقام علمی و کثرت معارف سید جمال الدین افغانی و اظهار و ترسیم صورت حقیقی آن قلم من عاجز است بجز اینکه با اشاره ازان اکتفا کنم دیگر معلومات داده نمیتوانم، این شخص در کتبه حقایق فلسفه معانی مخصوصی داشت که برای او آفریده شده بود، او در حل مشکلات مسائل دارای قوتی بود که مانند سلطان شدید البطش بیک نظر عقده های پیچیده آنرا می کشود،

هر موضیكه در معرض نظر او تقدیم میگردد در آسای بیان باطراف وجوانب واكتشاف حصص مستور آن چنان احاطه می نمود گویا بدست خود آنرا وضع نموده است ، اگر در مباحثه فنون سخن میگفت مانند واضعین در آن باره حکم میداد ، راجع بسفرها مالك قدرت و اختراع بود انسان تصور میکرد که در ذهن او عالم صنع و اختراع مودوع است .

او در سبک مباحثه و در صناعت برهان مالك چنان حذاقت بود که احدی را بانها درین باره تشبیه داده نمیتوانم اگر باشد البته آن شخص را ما نمی شناسیم ، درین موضوع بهترین شاهد اینست که هیچ کس بدون خصم باحضرت معاصره نمی کرد .

سید جمال الدین با هیچ عالمی مباحثه نکرد که او را مازم نساخته باشد ، اروپاییها در فرصتی برفضل و نبوغ او اقرار نمودند که شرقیها او را کمتر می شناختند .

خلاصه اگر ما عرض کنیم که خدای تعالی چنان قوه ذهن و سمع عقل و نفوذ بصیرت باو کرامت کرده بود که منتهای ذکاوت انسان است درین باره مبالغه نخواهد بود ، ذالك فضل الله یونیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم ،

استاذ مؤصوف امام مذهب و عقیده جمال الدین را چنین تعریف میکرد :

مذهب این شخص حقیقی بود الحنفی ، او اگر چه در معکومات خود مقلد نه بود لاکن هیچ وقت مخالف سنت صحیحه را مرتکب نشده تا آنکه بمسلك غریز صوفیه ( رض ) میل داشت در ادای فرایض لازمه مذهب حنفی شدیداً مداومت می نمود ، این را تمام معاشرین او در حین توقف آنها بمصر میدانند ، بهیچ چیز انیان نمی نمود تا که در مذهب ابوحنیفه جایز نمی بود ، او باصول و فروع مذهب خود باندازه مواظبت میکرد که نظیر آنرا سراغ ندارم در حیت دینی هیچ کس با او مساوی شده نمیتواند چنانچه بیشتر بغیرت دین و اهل آن مشتعل میگردد .

( ادیب ، مورخ و ژور نالیست بزرگ اسحق افندی ) علامه را چنین تعریف میکند :

سید جمال الدین : مرد گندم رنگ ، چهار شانه ممتلی ، قوی بنیه ، تیزبین ، جذاب النظر دارای لحاظ بانفوذ ، تنک عارضین بود که باجبه و ازار سیاه دستار خوردی با مصطلاح علمای اسلام بول می پوشید عذب ، باعفت ، بدرجه کم خواب کم غذا بود که از آخر شب تا نماز بامداد می خوابید و در ۲۴ ساعت یک دفعه طعام می خورد علاوه بشرب چای و تدخین عادت داشت در معارضه

مالك قوة حجت ، واسع المحافظه باندازه ذهین بود که بیک توجه مضمرات راحل و اسرار مرموزات را کشف میکرد لاکن بعلاوه اینها روح گرم و مزاج تندی داشت .  
از عجایب ذکاء او اینست که لغت فرانسوی را بعد از تعلیم دوروزه حروف هیجای آن بدون احتیاج در ظرف سه ماه تاحدی یاد گرفت که بخوبی ترجمه کرده میتوانست ، در حرکات عرفانیه اروپا و مکتوبات عصری نیز وضع و اختراع جدید اهل علم بدرجه مهارت داشت منلیکه در بعضی یونیورسٹیهای بزرگ مغرب تعلیم کرده باشد .

عصر روز : در قهوه خانه پیشروی حدیقه اوزبکیه که بقبوله الغاون معروف بود و حالاً در اینجا بانک کریدی ابا دست می نشست شاگردان او هم درین محل وارد گردیده دور و پیش او را احاطه میکردند : سلیم عنخوری میگوید : هر کدام ما بحضور او بافتای دقیق ترین و بسطه شکل ترین مباحث علمی باهم مسابقه میکردیم علاوه بزبان عربی فصیح بحل عقد های دشوار و کشودن رموز مغلق و پیچیده سوالات ماجدا گانه می پرداخت ، هیچ نوع درماندگی و تردد از اوضاع او بنظر نمی رسید بلکه مانند سیل بر نطق خود دوام نموده از فریجه او گاهی کلمات محسوس نمیگردید در انسانی بیان سامعین در دهشت و سائین در حیرت افتاده معترضین در مقابل آنها ابکم میکردیدند ، این احوال تا وقتی که پاسبی از شب نمی گذشت ادامه داشت ، بعد ازان که حقوق قهوه خانه نقداً از طرف تمام افراد این مجمع بزرگ پرداخته می شد علاوه هم بطرف اطاق خود تشریف می برد .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فردا در اطاق خود بطلبه درس میدادند علی بن علی بن علی تدریس گاهی بازهر ترفقه علاوه شاگردان خود را دایماً به انشاء مقالات و موالات و حریت رای ، شجاعت ، خطابت ، اصلاح ، تحریص و توصیه می نمود .

چون بسبب استعمار بلاد شرق و اسلامی یا انگلیسها مخالفت داشت اخیراً قونسل انگلستان متعین قاهره ازین لحاظات بموجب تجویز مجلس وزراء توفیق پاشا خدیو مصر را باخراج معزی ایه و ادار ساخته از قاهره بحیدر آباد دکن مسافرت نمود در آنجا با امر حکومت هندالی انجام انقلاب اعرابی توقف ورزیده بعد ازان بلندن و پاریس عزیمت نمود ، در پاریس شاگرد رشید او امام ( محمد عبده ) باو پیوسته از لسان حال جمعیت عرب الوثقی اسلامی که بغرض رفع استعمار و نجات مسلمانان از بزرگترین افراد مسلمین ترکیب یافته بود جریده معروف عرب الوثقی را صادر کرد ،

ما بعد ازان تا مدت سه سال در پاریس توقیف و رزیده در عین زمان با شاگردان مصری خود مکاتبه می فرمود متقابلاً بسبب دعوت شاه وارد ایران گردیده قرار گذاشت تا برای ایران قوانین اصلاحیه را وضع کند اما وزرای ایران از تصدیق قوانین نه تنها استنکاف و رزیدند بلکه شاه را وادار ساختند تا او را بوسیله قوه از کشور ایران طرد کنند ، بنشاء علیه علامه از جنای ایرانیها بلندن متوجه شد در آنجا هم بعد از مدتی رستم پاشا سفیر ترکیه آن فقید افغان را بملاقات سلطان عبدالحمید خان دعوت کرد ، علامه اگر چه در قبول این دعوت متردد بود اما بالواسطه آنرا پذیرفته وارد اسلامبول گردید ، در آنجا بمسماه مارس ۱۸۹۱ بمات حدوث سرطانیکه آنرا عملیات نمودند وفات یافت ، حتی مورخین ایران میگویند که علامه بسبب مرض مذکور نموده بلکه مسموم شد .

بهر حال سید افغانی مانند روح حاره در هیچ محل فرار نگرفته تا وقتیکه مساله کفرانسهایی علمی و اجتماعی خود را به بیسی خانه داد و خاموش شد از شهری بشهری و از مملکتی بمملکتی نقل مکان میفرمود .

لهذا مثلیکه شرق و تمام بلاد اسلامی از جهاد او مستفید شدند مصر هم ازین ناحیه حظ کاملی دارد ، حقیقه سید جمال الدین باعث اصلاح و تجدید طرز تعلم ازهر و سیاحت مصر گردیده روح حریت و وطنیت نیز احساسات شجاعت و عداوت اجنبی را در پیکر مصریان تزریق نمود ، لغت ، کتابت ، نطق و خطابت را ترقی داد ، نوایع مصر را منتهی عبدالسلام موبدلی پاشا ، امام محمد عبده ، ابراهیم لغانی عبدالله ندیم ، علی مظفر ، امیر اسحق ، از نلامید رشید او میباشند ، مایقین داریم که بیاد خدمات فقید برور حنظلهای دیگر نیز تاسیس خواهد شد ازهر سبب افاده تجدید و یقین ، ادبا ، نظر بیاس حقوق ادبیات او ، صحیفون از باعث اشتراك مسلك ، رجال سیاست ، برعایه افاده سیاست و دور اندیشی او ، بلاد شرق و اسلامی بواسطه تدین و خلق قوم آنها هر جنبه سید فقید را فراموش نخواهد کرد .

برمالازم است که در مصر آثار مادیه او را در خانهای خودشان بمقام ( خان خلیلی ) ابوطبقیه ، قهوه خانه انطون ، اطاق موبدلی ، جمع و برای تذکار ابدی او بگذاریم .

مدفن علامه در اسلامبول و آنرا از مدت هفت سال باینطرف سفیر سابق امریکا مستر ( کراپن ) طوری تعمیر نمود که درخور منزلت وشایان همه چه فقید عظیم باشد .

جمله کابل ازین احساس علمی و قدر شناسی های فضایی مہری ( انجمن تذکار سید جمال الدین افغانی در قاہرہ ) نسبت بہ علامہ افغانی سید جمال الدین ، بنام مطبوعات افغانستان اظہار تشکر و امتنان نمودہ وار است این روش نفیس برادران مصری ما بلاوہ مقام ادبی کہ دارد در تقویہ روابط معنویہ و دوستانہ ملتین افغان و مصر عامل مؤثری بہ شمار آید .

## روایت افغانستان در حدیث

نویسنده قاری عبداللہ خان

### ۲۵ - ابراہیم ابن طہمان :

ابراہیم ابن طہمان ابوسعید ہروی است کہ بعدہا نیشاپور رفتہ ، گویند میل بارجا داشت و باز از آن رجوع نمود ، عالم خراسان بودہ و بنگہ نماز و گشتہ در خراسان بیشتر از و کس حدیث یاد نہ داشت امام بخاری از شیوخ او حدیث روایت نمودہ تذکرہ الحفاظ اورا حافظ و تقریب التہذیب ثقفہ میگوید وفاتش را ہم نخستین در ( ۱۶۳ ) و دوم در ( ۱۶۸ ) ضبط کردہ .

### ۲۶ - فضیل ابن عیاض :

فضیل ابن عیاض ابو علی مروزی زاهد مشہور است بعضی مولد شیخ را سمرقند و نشو و نمایش را در باورد میدانند دزمکہ مکرمہ سکرنت اختیار کردہ فاضل عابد ثقفہ و نبیل بودہ . امام مسلم حدیث فضیلت کشتندی و نہال شای را از و روایت کردہ . از سخنان ہارون الرشید است کہ گفتہ هیچکس را در ہیت بیشتر از امام مالک و در ورع بیشتر از فضیل نیافتم . فضیل در سنہ ۱۸۷ وفات کردہ و عمرش زیادہ برہشتاد بودہ .